

القاعده در كنيا

القاعده در کنیا

کشور کنیا یکی از مهم ترین پایگاه های نیروهای القاعده در شرق آفریقا است و بر اساس شواهد موجود، مرکز اصلی شاخه آفریقای القاعده در این کشور استقرار دارد. پیشینه ورود نیروهای القاعده به کنیا به سال های 1992 و 1993 باز می گردد.

کشور کنیا یکی از مهم ترین پایگاه های نیروهای القاعده در شرق آفریقا است و بر اساس شواهد موجود، مرکز اصلی شاخه آفریقای القاعده در این کشور استقرار دارد. پیشینه ورود نیروهای القاعده به کنیا به سال های 1992 و 1993 باز می گردد. طی این سال ها برخی از فرماندهان سازمان القاعده که به طور پراکنده در جنگ های داخلی سومالی و در نهایت، جنگ با نیروهای آمریکایی در این کشور (1992) شرکت داشتند، [1] به تدریج شرایط حضور در کنیا را مناسب دیده، طی سفرهایی کوتاه به این کشور، کنیا را یکی از پایگاه های آینده خود در شرق آفریقا در نظر گرفتند.

در سال 1994 وادی الهاگ، منشی مخصوص بن لادن که اصالتا متولد لبنان بود و از طریق ازدواج با زنی آمریکایی، شهروندی آمریکا را نیز کسب کرده بود، بر اساس استراتژی جدید القاعده که شرق آفریقا را به دلیل ارتباطات دینی و فرهنگی عمیق مردم این کشورها (سواحیلی ها و اعراب) با شبه جزیره عربستان و خشم و تنفر عمومی مسلمانان از آمریکا، محیطی مناسب برای اقدامات خود در نظر گرفته بود، وارد نایروبی شد. هدف اصلی مأموریت وی، سازمان دهی عملیات القاعده در کنیا بود. [2] یک سال بعد، علی الرشید الیاس ابو عبادیه البنیشری، از فرماندهان برجسته نظامی القاعده (پلیس سابق مصر) و محمد صدیق اوده (فلسطینی ساکن کشور اردن) از پاکستان به کنیا سفر کرده و به الهاگ ملحق شدند. این افراد به سرعت به تأسیس شرکتی ماهیگیری در مومباسا اقدام کردند و با گرفتن مجوز فعالیت شرکت مزبور که فقط در صدد فراهم آوردن امکانات لجستیکی برای القاعده بود، بسیاری از نیروهای القاعده طی سال های 1995 تا 1998 تحت پوشش شرکت ماهیگیری یاد شده به کنیا سفر کردند. سازمان القاعده طی این سال ها، به صورت غیر قانونی خرید و فروش الماس و پول شویی را با هدف کسب درآمد در کنیا آغاز کرد و مقادیر زیادی سلاح و مهمات را از طریق دریا به این کشور وارد کرد.

عملیات حمله به سفارت خانه آمریکا در سال 1996 را البنیشیری، مرد شماره دو القاعده، طراحی کرد و قرار بود در همان سال نیز به مرحله اجرا در آید، ولی حادثه غرق شدن وی در دریاچه ویکتوریا [3] و برخی مشکلات ناشی از اخراج بن لادن از سودان و ترور نافرجام حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر، در سال 1995، اجرایی شدن این نقشه را به تأخیر انداخت. وادی الهاگ نیز در سال 1997 به دلیل مظنون شدن نیروهای اطلاعاتی کنیا به فعالیت های مشکوک وی و با فشار دولت آمریکا که گزارش هایی از شاخه جدید التأسیس القاعده در شرق آفریقا دریافت کرده بود، کنیا را به مقصد آمریکا ترک کرد. پلیس کنیا در همان سال، پنج نفر دیگر را به اتهام ارتباط با بن لادن و جنبش القاعده دستگیر کرد و این تصور در دستگاه های امنیتی آمریکا و

کنیا به وجود آمد که با اخراج وادی و دستگیری افراد مزبور، موفق به درهم شکستن شبکه القاعده در این کشور شده اند. [4] عملیات انتحاری حمله به سفارت آمریکا در نایروبی، در همان سال به وسیله محمد عبدالله فاضل، اهل کشور کومور، که از پاکستان به کنیا سفر کرده بود و البنشیری دنبال شد و در نهایت، این عملیات با کد رمز «عملیات کعبه» در سال 1998 انجام شد و کامیونی حامل مواد منفجره که دو تن از اتباع عربستان سعودی هدایت آن را بر عهده داشتند، در مقابل سفارت آمریکا و در یکی از پر ازدحام ترین مناطق شهر نایروبی (در مرکز شهر) منفجر شد. این حمله تروریستی که برای نخستین بار در طول تاریخ این کشور صورت گرفت، موجب کشته شدن 213 نفر و زخمی شدن 4 هزار و 500 نفر شد؛ [5] 26 نفر از کشته شدگان، از اعضای سفارت آمریکا بودند. [6]

دومین حمله تروریستی القاعده، در سال 2002 به هتلی در مومباسا که محل اقامت گردشگران اسرائیلی بود، صورت گرفت. در جریان این حمله انتحاری، 15 نفر کشته و 35 نفر زخمی شدند. چند ماه پس از آن نیز نیروهای القاعده با شلیک دو موشک ضد هوایی SA-7 به یک هواپیمای چارتر اسرائیلی حامل گردشگران اسرائیلی در آسمان مومباسا تلاش کردند این هواپیما را سرنگون کنند که این حمله هوایی نافرجام ماند. این حمله هوایی که برای نخستین بار در تاریخ کشورهای آفریقایی صورت گرفت، موجی از رعب و وحشت را در سطح منطقه و حتی جهان پدید آورد؛ به گونه ای که کشور انگلستان به مدت چند ماه، پروازهای بین المللی شرکت بریتیش ایرویز را به کنیا، به حالت تعلیق درآورد و جورج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا، نیز که قرار بود در سفر منطقه ای خود به قاره آفریقا در سال 2003 چند ساعتی در کنیا توقف نماید و روند دمکراسی و انتخابات سال 2002 این کشور و مذاکرات صلح جنوب و شمال سودان را مورد تشویق و تقدیر قرار دهد، با فشار نیروهای امنیتی آمریکا، محل توقف کوتاه مدت خود در شرق آفریقا را به اوگاندا تغییر داد. در واقع، مقامات سازمان سیا از این بیم داشتند که نیروهای القاعده، هواپیمای حامل رئیس جمهور را با شلیک موشک های ضد هوایی مورد حمله قرار دهند.

در اوایل سال 2003 و در حالی که هنوز شک حمله نافرجام القاعده به هواپیمای اسرائیلی بر طرف نشده بود، دولت انگلستان درباره حمله القاعده به منافع غرب در کنیا، به دولت این کشور هشدار داد و چند ماه بعد، در ژوئن 2003 نیروهای جاسوسی آمریکا و انگلستان موفق به خنثی کردن توطئه القاعده در سرنگونی یک فروند هواپیمای مسافربری و حمله انتحاری یک کامیون مملو از مواد منفجره به ساختمان جدید سفارت آمریکا در نایروبی شدند. [7] این عملیات که از سومالی هدایت می شد و قرار بود با مشارکت تعدادی از سومالیایی ها، چند هزار نفر از کنیایی های سومالیایی الاصل و افراد القاعده انجام شود، به تعطیلی سفارت آمریکا در نایروبی به مدت پنج روز و تشدید اقدامات امنیتی در ورود افراد به این سفارتخانه منجر شد. علاوه بر آن، دولت کنیا ده ها پست مرزبانی در مرزهای خود با کشور بدون حکومت سومالی نصب کرد و پرواز هواپیماهای کوچک در سراسر فرودگاه های کوچک و بزرگ این کشور به مدت چند هفته ممنوع اعلام شد.

در پی این حملات که به ناامن اعلام شدن کشور کنیا از سوی دولت های عربی، به ویژه آمریکا منجر گردید، آمار ورود گردشگران عربی، به ویژه آمریکایی، به مناطق گردشگری و پارک های جنگلی کنیا به شدت کاهش یافت و دولت کنیا که به درآمدهای حاصل از صنعت گردشگری خو به شدت متکی بود، سال های 2002 و 2003 را بدترین سال های این کشور از نظر درآمدهای گردشگری خواند. [8]

حملات تروریستی القاعده به کنیا، به دستگیری تعداد زیادی از مسلمانان مناطق ساحلی، به

ویژه در مومباسا، لامو و مالیندی که گفته می شد نیروهای القاعده و افراد وابسته به آنها در این شهرها استقرار دارند، منجر گردید. همچنین از سال 1998 و به دنبال حمله انتحاری به سفارت آمریکا در نایروبی، پلیس اف بی آی آمریکا و نیروهای امنیتی کنیا، ده ها موسسه اسلامی محلی و چند سازمان متعلق به عربستان سعودی را به جرم ارتباط با القاعده و یا حمایت مالی از این سازمان، تعطیل کردند. این سازمان های بین المللی اسلامی که پیش از آن نیز در تیررس اتهام های مقامات امنیتی کنیا قرار داشتند، عبارت بودند از:

- آژانس کمک های بین المللی؛
- بنیاد ابراهیم بن عبد العزیز الابراهیم؛
- بنیاد اسلامی الحرمین؛
- سازمان کمک های اسلامی بین المللی؛
- بنیاد کمک به مردم آفریقا؛
- انجمن بین المللی کمک های انسان دوستانه.

جمعیت خیریه قطر و مجمع جهانی جوانان مسلمان نیز هر چند مظنون به ارتباط با القاعده و کمک مالی به این سازمان بودند، فعالیت آنها ممنوع نشد.

تعطیلی مراکز اسلامی مزبور که به قطع فعالیت های اسلامی آنها نظیر ساخت مسجد، مدرسه، کتابخانه و .. منجر شد، با اعتراض مسلمانان کنیا روبه رو شد و با وجود درخواست های مکرر رهبران مسلمان کنیا از دولت در خصوص ارائه شواهد و اسنادی درباره دخالت و ارتباط این سازمان ها با حملات تروریستی القاعده، تا کنون مقامات مسئول از ارائه این مدارک طفره رفته اند. دولت کنیا ضمن بی اعتنایی به درخواست سازمان های اسلامی کنیا، از جمله شورای عالی مسلمانان کنیا؛ مجمع علمای کنیا؛ شورای امامان سواحل جنوبی و اتحادیه مسلمانان کنیا، درباره اجازه فعالیت مجدد سازمان های خیریه اسلامی بین المللی در این کشور، تاکنون از شناسایی مجدد این سازمان ها خودداری کرده و با فشار ایالات متحده آمریکا حاضر نشده است دفاتر این موسسه ها را در نایروبی و مومباسا دایر سازد.[9]

شایان ذکر است طی چند سال گذشته، تعداد دیگری از مسلمانان کنیا به جرم ارتباط با سازمان القاعده دستگیر شده اند. پلیس کنیا معتقد است بسیاری از سومالیایی هایی که بین دو کشور کنیا و سومالی در رفت و آمدند، از اعضای القاعده محسوب می شوند و در تلاش است از ورود این افراد به کنیا جلوگیری کند. با این حال، به دلیل گستردگی مرزهای این کشور با سومالی و فعالیت وسیع قاچاقچیان، کنترل مرزهای آبی و خاکی دو کشور بسیار مشکل است. [10] علاوه بر آن، برخی تحلیلگران معتقدند هر چند مسلمانان کنیا را نمی توان در زمره طرفداران القاعده در نظر گرفت و شاید بسیاری از پیروان اسلام در مناطق ساحلی و جنوبی این کشور دیدگاه چندان مثبتی نسبت به بن لادن نداشته باشند، مسلمانان مزبور به دلیل تنفر شدید از آمریکا و اسرائیل، بن لادن را نمادی از مقاومت که در مقابل زورگویی های ایالات متحده ایستادگی کرده است، ستایش می کنند. در تحلیل این موضوع می توان گفت، بخشی از این امر به پیشینه تاریخی مسلمانان باز می گردد و آنها، به ویژه مسلمانان عرب و سواحیلی این کشور که در دوره استعمار انگلستان و پیش از استقلال کنیا از موقعیت والایی در کشور برخوردار بودند، امروزه خود را بیگانه هایی ناچیز در میان غیر مسلمانان می بینند. از این رو، حمایت آنها از جریانات (حتی افراطی) اسلامی مخالف آمریکا، به نوعی تجلی خشم و نفرت آنها از سیاست های ضد اسلامی دولت های کنیا از بدو استقلال تاکنون به شمار می رود.[11] خاطر نشان می گردد دولت کنیا طی چند سال گذشته، کمک های نظامی بسیاری از ایالات متحده دریافت کرده است و نیروهای امنیتی این کشور، دوره های ضد ترور ویژه ای را با کمک

سازمان سیا پشت سر نهاده اند. ایالات متحده آمریکا در سال 2006 در ادامه برنامه مبارزه با تروریست در شرق آفریقا، شش قایق سریع السیر جنگی با هزینه 3 میلیون دلار را با هدف گشت زنی در سواحل کنیا به این کشور هدیه نمود. کنیا همچنین با کمک ایالات متحده از سال 2003 واحد پلیس ضد تروریست، مرکز ضد تروریسم ملی و کمیته مشورتی امنیت ملی را به وجود آورده است که وظیفه این مراکز، مبارزه با هر گونه اقدامات تروریستی می باشد. این کشور اقدامات امنیتی خود را در فرودگاه های این کشور نیز افزایش داده است.

- [1]. 1990 . 1990 .
- () . 2002 1998 .
- [2]. [Rabasa Angel, op. cit, p. 11. [4 .
- () Rabasa Angel, [5]. () (1996
- [5]. [op. cit, p. 13. 1987 . 1998 .
- [6]. Jodi Vittori & Kristin Bremer, op. cit, p.20. 4
- [7]. [Rabasa Angel, op. cit, p.13. [8]. ()
- [9]. H.Shinn David, Islamic . 28 2003 2002
- [10]. [Fundamentalism, Terror and Al- Qaeede in East Africa and Horn, P.18.
- [11]. Bill Roggio, op. cit, p.31. «» . 2006 . 2008